

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی
نظریه و عمل در تربیت معلمان
سال نهم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ویژگی‌های مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری

مینا فیاضی^۱
شهرام رامشت^۲
میثم صداقت‌زاده^۳

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، استخراج ویژگی‌های مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری بوده است. بدین منظور از روش کیفی تحلیلی استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه منابع و مراجع موجود و مرتبط با آراء و اندیشه‌های فلسفی-تربیتی شهید مطهری است. از آن‌جا که در این تحقیق کلیه آثار مورد تحلیل قرار گرفته، نمونه‌گیری انجام نشده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به طور کلی دو دسته ویژگی حرفه‌ای و شخصیتی در اندیشه شهید مطهری برای مربیان قابل استنباط است. از جمله ویژگی‌های حرفه‌ای می‌توان به تربیت یافتگی، دغدغه و انگیزه، شناخت نظام تربیتی، بصیرت و انتخاب، و مهارت و توان اشاره کرد. در کنار ویژگی‌های

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

۱. دانشجوی دکتری، علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

m_fayazi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Shahram.ramesht@modares.ac.ir

۳. استادیار، گروه فرهنگ و تربیت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

me.sedaghat@isu.ac.ir

حرفه‌ای مربی که در تعامل با مربی معنا می‌یابد، اکتساب ویژگی‌های شخصیتی نه تنها در فرایند تربیت موثر است که بدون در نظر گرفتن عمل تربیت نیز کمال محسوب شده و موجب رشد و تعالی مربی است. بندگی و عبودیت، خلوص و خیرخواهی، صداقت و تقوا، تواضع و خشوع برخی از ویژگی‌های شخصیتی مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری هستند.

کلید واژه‌ها: مربی، ویژگی‌های مربی، تربیت، شهید مطهری.

۱. مقدمه

بدون تردید انسان اشرف و افضل مخلوقات و کانون محوری جهان خلقت به شمار می‌رود. چنین موجودی برای هدفی متعالی یعنی رسیدن به کمال مطلق، خوشبختی و سعادت حقیقی آفریده شده است. کمال‌جویی و حق‌طلبی به صورت بالفطره و بالقوه در انسان وجود دارد و تحقق آن در گرو تربیت صحیح است. از طرفی تربیت مفهوم عامی است که تمام شئون و ابعاد زندگی بشر را در بر می‌گیرد. این مفهوم آن‌چنان سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است که تمامی مکاتب الهی و غیرالهی بدان پرداخته‌اند. آدمی گرچه به حساب فطرت، الهی و توحیدی است، لیکن از جهت طبیعی متمایل به شر و تباهی است و دو نیروی متضاد عقل و نفس در نهادش قرار دارد، اما آنچه در ابتدای خلقت در او فعلیت می‌یابد، همان قوای حیوانی است؛ لذا اگر آدمی تحت تربیت صحیح قرار نگیرد به سوی غرایز طبیعی کشیده و مصداق این آیه می‌شود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۱. از طرفی انسان سرشار از امیال و غرایز متضاد در درون خود است که برای تداوم حیات خود نیاز به راهنمایی و تربیت دارد. این امیال و خصوصیات جسمی و غرایز می‌بایست تحت کنترل و نظارت قرار گرفته تا به نابودی کشیده نشوند (رامشت، ۱۴۰۱).

عواملی وجود دارند که بر شخصیت مربی تأثیر مناسبی گذاشته و در رفتار و گفتار مربی تغییر و تحول ایجاد می‌کنند. از جمله مهم‌ترین عوامل می‌توان به عامل وراثت، عامل محیط و عامل مربی اشاره کرد که در این میان مربی جایگاهی ویژه دارد. فارابی

۱. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۷۹

معتقد است که هیچ انسانی از پیش خود نمی‌تواند سعادت را بشناسد و به آنچه بایسته است عمل کند، چرا که هر دو احتیاج به مرشد و راهنما دارد (فارابی ۱۳۷۱: ۱۹۰). مربی می‌تواند با تربیت صحیح و اصولی زمینه‌ساز بیداری فطرت پاک الهی، ایجاد تحول و اشتیاق درونی، زنده شدن قلبی و تجلی ایمان، تقوا و تزکیه درونی، درونی‌سازی آموزه‌های دینی و التزام عملی و نیز معنایابی در زندگی و هویت‌سازی شود و از این طریق نتایج پایدار بر جای گذارد، به‌گونه‌ای که خصلت‌های کسب شده حتی در دشوارترین اوضاع و سخت‌ترین موقعیت‌ها نیز به کمک شخص آمده و در هر فراز و نشیبی به او مدد رساند (صداقت‌زاده، ۱۴۰۱). این امر زمانی امکان‌پذیر است که مربیان از ویژگی‌های لازم برای انجام این عمل خطیر بهره‌مند باشند. با توجه به اهمیت نقش مربی در تربیت اسلامی، به ویژگی‌های مهمی برای آنان در آیات و روایات اشاره شده است که توجه به هر یک، برای تعالی مربیان ضروری بوده و به طبع موجب رشد بیش‌ازپیش مربیان نیز می‌شود. با تعریف تربیت، نقش و جایگاه مربی آشکار خواهد شد. اندیشمندان مختلف تعاریف متعددی از تربیت ارائه کرده‌اند که به طبع در تعریف مربی و شئون و نقش آن نیز بی‌تأثیر نبوده است.

تربیت در زبان فارسی به معانی «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» به‌کاررفته است (دهخدا، ۱۳۲۸: ۵۵۰). در زبان عربی با بررسی تفصیلی این واژه در کتاب‌های گوناگون لغت عرب، معلوم می‌شود که واژه تربیت مصدر باب تفعیل و با دو ریشه «ربب» و «ربو» در ارتباط است. در تربیت مشتق از «ربب»، معنای مالک و مدبر، مربی و سرپرست در نظر گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۹۹). تربیت در معنای این ریشه ناظر به رشد جسمانی نبوده و بیش‌تر ناظر به پرورش دیگر ابعاد و بعد معنوی و روحی انسان است (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در تربیت مشتق از «ربو» معنی زیادت، رشد و بالایی اخذ شده است (راغب، ۱۳۹۰: ۱۷۴). براین‌اساس تربیت مصدر باب تفعیل این ماده، به معنای زیاد کردن و نمو و پرورش دادن و فراهم‌آوردن موجبات رشد شیء است (بهشتی، ۱۳۸۷: ۳۱).

تربیت اما به لحاظ اصطلاحی دارای یک تعریف جامع و مانع که مورد قبول کلیه دیدگاه‌ها بوده و جنبه جهان‌شمولی داشته باشد ندارد، و این تعریف نه‌تنها کاری ناشدنی

است؛ بلکه به علت فاصله‌گرفتن از خصلت پویایی و تعاملی آن نامطلوب نیز است. موضوعیت انسان در تربیت عامل اصلی اختلاف‌نظرها در تعاریف تربیت است (میرهادی، ۱۳۷۲). علم‌الهدی معتقد است؛ وجود تفاوت در اهداف برگزیده برای فرایند تربیت، از دلایل تفاوت در تعریف اصطلاحی تربیت است (علم‌الهدی، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

یکی از معانی تربیت، بر اساس نظریه فطرت شهید مطهری، شکوفاشدن استعدادهاى فطری انسان است. به عبارت دیگر، تربیت فرایند بالفعل کردن آنچه در انسان به صورت بالقوه وجود دارد است (رامشت، ۱۴۰۱). بدین معنا تربیت ظاهر کردن کمالات انسانی است و این فرایند در حقیقت مقدمه تجلی ذی‌حیات از بطون به ظهور و از خفا به شهود و از قوه به فعل است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۹۵). از نظر اسلام، ابتدا باید انسان و ابعاد وجودی و نیروها و استعدادهاى او را شناخت و آنگاه به تربیت او پرداخت و چون شناخت حقیقت ژرف و نامتناهی وجود انسان و ابعاد آن به طور کامل، برای انسان‌ها مشکل است و نیز از سوی دیگر عقل و تشخیص آدمی توسط پرده‌های غرایز و مادیات احاطه شده و خود قادر به برنامه‌ریزی و تهیه قانون کامل و جامع و تأمین‌کننده صلاح و سعادتش نیست؛ بنابراین، خدای متعال برنامه‌های تربیتی او را تعیین و توسط پیامبرش به انسان‌ها ابلاغ کرده است. باتوجه به نظریه فطرت و جایگاه آن در اندیشه شهید مطهری، تربیت را می‌توان فرایندی که از یک سو حرکت کردن و تکامل است و از سوی دیگر حرکت دادن و هدایت؛ از یک سو در سلسله مراتب فاعلی، به رب العالمین می‌رسد و از سوی دیگر در زنجیره غایی به کمال انسانیت، قرب الهی و حیات طیبه نائل می‌شود، در نظر گرفت؛ لذا مبتنی بر نظریه فطرت، تربیت فرایندی تدریجی است که رابطه دوسویه و ولایی میان دو رکن مربی و متربی را فراهم می‌نماید.

انسان همواره به مربی نیازمند بوده و برای شکل دادن به شخصیت خود، نمونه و سرمشق می‌طلبد. این نیاز و طلب در فطرت ریشه دارد. عامل فطری این امر از یک سو نقص انسان و از سوی دیگر عشق به کمال است، به علاوه انعطاف‌پذیری، همانندسازی و قهرمان‌جویی موجب آن می‌شود که انسان بکوشد تا خود را با چهره‌هایی که در نظرش از برتری برخوردارند تطبیق دهد (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰: ۱۷۵). مربی اسم فاعل باب تفعیل از ماده «ربو» به معنای رشد و نمو و زیادت است. مربی در

لغت به کسی گفته می‌شود که رشد و نمو دیگری را برعهده داشته باشد و بر وجود او بیفزاید (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق: ۳۷). تربیت از افعال متعدی است و برای آنکه عمل تربیت صورت پذیرد وجود مربی و متربی ضرورت دارد، زیرا از واژه تربیت هنگامی استفاده می‌کنیم که متربی به واسطه مربی به رشد و کمالی که بالقوه دارا است نائل شود (دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰: ۳۳۸). در حقیقت مربی عبارت است از عامل انسانی که در تحقق فعالیت تربیتی تأثیرگذار است و تنها اختصاص به مربی پرورشی و یا معلم آموزشگاه در نظام آموزش و پرورش رسمی ندارد، بلکه شامل هر نیروی انسانی تأثیرگذار در فرایند تربیت، اعم از مربی پرورشی، معلم، والدین و مانند این‌ها می‌شود (همت بناری، ۱۳۸۱: ۴۶). مربی کسی است که استعدادها و درونی و فطری متربی را شکوفا می‌سازد و زمین‌های برای او فراهم می‌آورد تا کمالات بالقوه را به فعلیت برساند (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۳). در اندیشه شهید مطهری رب و مربی حقیقی، همان خالق و صاحب‌اختیار عالم و آدم است. او به تناسب اسماء و صفات عالیه خود همه مخلوقات را در حد ظرفیتشان به سوی وجودی شدیدتر و کامل‌تر هدایت می‌نماید. در این راه ابزارهای مادی و معنوی، و همچنین انسانی و غیرانسانی را واسطه شکفتن و به فعلیت رسیدن ظرفیت‌ها و استعدادها قرار می‌دهد تا با رسیدن تدریجی به مقام قرب، آیه و نشانه‌ای از ربوبیت و ولایت الهی شوند.

در اسلام مربی بودن رنگ الهی به خود گرفته و از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اهمیت مقام مربی و معلم در اسلام همین کافی است که خدای متعال به‌عنوان اولین مربی «رب‌العالمین» است؛ پروردگار جهانیان است، انسان را خلق نموده و مسئولیت هدایت و ارشاد آن را برعهده گرفته است «الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ»^۱. خداوند که خود مربی انسان‌هاست بخشی از این مسئولیت خویش را به عهده انبیا و اولیا که خلفای الهی بر روی زمین هستند واگذار نموده و آن‌ها را به‌عنوان مربی و معلم انسان‌ها در طول تاریخ معرفی نموده است. چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» «همان‌گونه که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما تلاوت کند، نفوس شما را (از پلیدی جهل و شرک) پاک گرداند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی‌دانستید به شما یاد دهد. پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (فیض کاشانی، ج ۱: ۲۳) بعد از انبیا و اولیای الهی علما و اندیشمندان به عنوان هدایت‌گران و مربیان انسان‌ها در روی زمین هستند و این مقام را از انبیا به ارث برده‌اند پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَخُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» دانشمندان، چراغهای زمین، جانشینان پیامبران، وارثان من و وارثان پیامبرانند (نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۱۴). مربیان به عنوان بهترین جانشینان انبیا و اولیای الهی برای هدایت و تربیت بوده و بهترین الگوی آنان همان فرستادگان الهی هستند. مربیان امانت الهی هستند که در دست مربیان قرار می‌گیرند و باید با بهترین روش از آن‌ها نگهداری شود. با توجه به ملاحظات نظری فوق، در ادامه به برخی از تحقیقاتی که در باب ویژگی‌های مربی صورت پذیرفته است اشاره می‌شود:

کوهکهر (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های مربی در اسلام» به بیان عوامل تربیت و نقش مربی و سپس بیان ویژگی‌های مربی در دو بخش شخصیتی (شامل سه بخش اعتقادی، رفتاری و روانی) و حرفه‌ای پرداخته است. از جمله ویژگی‌های شخصیتی در این تحقیق می‌توان به «ایمان، اخلاص، تقوا، حسن خلق، تواضع، شرح صدر و صبر» اشاره کرد. همچنین در بخش ویژگی‌های حرفه‌ای نیز «تخصص و تجربه، آراستگی ظاهر، زیرکی و باهوشی و...» مورد بررسی قرار گرفته است.

وجدانی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان «ویژگی‌های مربی از منظر روایات» به بیان بیش از ۵۰ ویژگی مختلف برای مربی در پنج محور دانایی و بصیرت، عاملیت، انگیزه الهی، شخصیت مثبت و تأثیرگذار و به‌کاربردن اصول و روش‌های نیکو پرداخته است.

بهروز (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام» ضمن بررسی تقدم تزکیه بر تعلیم، تأثیر تزکیه به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های مربی مورد بررسی قرار داده و بیان می‌دارد که روح

تزکیه‌یافته‌ی مربی، ایمان وی را با عبودیت؛ اخلاقش را با فضائل اخلاقی؛ علم و تخصصش را با امور معنوی و الهی، و حرفه‌اش را با تعهد و شایستگی آراسته می‌کند. پهلوان شریف و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های مربی صالح در پرورش و مدیریت استعدادها؛ پژوهشی قرآنی» با بررسی ۱۸۹ آیه از قرآن کریم سعی در ارائه ویژگی‌های مربی صالح داشته‌اند. این ویژگی‌ها در پنج محور اعتقادی، شخصیتی، رفتاری - اخلاقی، روشمندی و نتیجه‌گرایی صورت‌بندی شده‌اند. شهریار و نجفی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی» چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه ارائه می‌کنند. صلاحیت‌های مورد شناسایی ایشان شامل دو طیف علمی و عملی می‌شود. از جمله صلاحیت‌های علمی می‌توان به «اخذ، انتقال و مراقبت» و در طیف عملی به «استیکال، استکبار، عدم ژرف‌اندیشی، لذت‌گرایی، ثروت‌اندوزی» در بعد سلبی و «خداگرایی، معرفت یقینی، صبر و استقامت و شهامت» در بعد ثبوتی طیف عملی اشاره کرد.

محمدزاده بنی‌طرفی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری مدظله»، ضمن بررسی و تبیین هشت ویژگی معلم تراز انقلاب اسلامی در اندیشه ایشان از جمله «بصیرت، روحیه انقلابی، آرمان‌خواهی و مقابله با استحاله فرهنگی»، در نهایت به چند راهکار عملی برای دستیابی به این ویژگی‌ها از جمله پایبندی به اسناد بالادستی آموزش و پرورش، برگزاری دوره‌های نظری و عملی ضمن خدمت و گزینش قوی برای استخدام معلمان، اشاره نموده‌اند.

باتوجه به اهمیت و جایگاه مربی در تربیت اسلامی، ادبیات این حوزه در تربیت اسلامی سرشار از احادیث حضرات معصومین (ع) و کلام اندیشمندان اسلامی است. در میان اندیشمندان اسلامی معاصر، جایگاه استاد مطهری به شهادت بسیاری از اهل علم و دانش ممتاز و نمونه بوده و بر غنای تمامی آثار ایشان تأکید شده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۳۲۵). علاوه بر این، ایشان خود معلمی تراز بوده که ویژگی‌های یک معلم شایسته از منظر اسلام در ایشان تجسم یافته است. از این رو، پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل مبتنی بر اندیشه ایشان صورت پذیرفته است:

مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری چه نوع ویژگی‌هایی دارد؟
ویژگی‌های مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری کدام‌اند؟

۱,۱. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و توسعه‌ای بوده و روش آن از نوع کیفی - تحلیلی است. برای انجام این تحقیق، کلیه منابع و مراجع مرتبط با آرا و اندیشه‌های فلسفی - تربیتی استاد مطهری با روش تحلیل متن مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌برداری انجام نشده است. اطلاعات موردنیاز با شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از ابزار فیش‌برداری با ذکر دقیق منبع، اطلاعات گردآوری شده با نظم منطقی دسته‌بندی و با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی محتوایی قرار گرفته‌اند. در نهایت، با طی این مراحل، پاسخ به سؤالات پژوهش تبیین و صورت‌بندی شده است.

۲. یافته‌ها

ویژگی‌های مربی در اندیشه شهید مطهری را می‌توان به‌طور کلی به دودسته ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصیتی تقسیم کرد. ویژگی‌های حرفه‌ای آن دسته از ویژگی‌های مربی هستند که در تعامل با مربی و امر تربیت معنا می‌یابند. در مقابل ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌هایی هستند که با وجود تأثیر آن‌ها در امر تربیت مطلوب توسط مربی، برای ایشان بدون در نظر گرفتن عمل تربیت نیز کمال محسوب شده و موجب رشد و تعالی مربی می‌شوند. در ادامه با هر یک از ویژگی‌های این دودسته آشنا می‌شویم.

۲,۱. ویژگی‌های حرفه‌ای

۲,۱,۱. تربیت‌یافتگی

کسی که قدم در راه تربیت می‌گذارد و خود را معلم و مربی می‌خواند، نمی‌تواند خود تهی از تربیت باشد. محال است کسی کمالی را نداشته باشد و بتواند آن را به دیگران بدهد. شهید مطهری معطی کمال را فاقد آن ندانسته، بلکه واجد آن در مرتبه‌اعلی می‌داند (مطهری، ۱۳۷، ج ۱: ۶۰۹). در نتیجه کسی که خود تربیت نشده باشد، هرگز نمی‌تواند به‌صورت واقعی و عمیق دیگران را تربیت کند؛ اگرچه پندارش این باشد که در استفاده از روش‌های تربیت موفق است. استاد مطهری بر این باور است که مربی ابتدا باید از خود شروع کرده و خود را تعلیم دهد و در نظر داشته باشد که جاهلی در اندرون خود به نام

نفس آماره دارد. پس از تربیت و تأدیب خود و صالح شدن، مربی می‌تواند مدعی مربیگری برای سایر مردم را داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۲۳۳). به بیان شهید مطهری [چنین کسی] که خودش را تعلیم و تلقین می‌کند و خودش را تربیت و تأدیب می‌کند، برای احترام و تکریم شایسته‌تر (شیخ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۶: ۱۵۱) است از آنکه معلم و مربی دیگران است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۰: ۲۰۴).

۲، ۱، ۲. دغدغه و انگیزه

اگرچه صاحب هر کمالی همواره به صورت طبیعی کمال خود را ظهور و بروز می‌دهد؛ اما گاهی دیده می‌شود افرادی که در مسیر رشد شخصی حرکت می‌کنند، دغدغه و سوز تربیت دیگران را ندارند. ویژگی برخی از این افراد در روایتی این‌گونه ذکر شده است که در آخرالزمان، مردم ریاکاری پیدا می‌شوند که دائماً آیه قرآن و دعا می‌خوانند و اظهار مقدس‌مآبی می‌کنند و یک مردم تازه به دوران رسیده احمقی هم هستند. تنها چیزی که این مقدس‌مآب‌ها به آن اعتنا ندارند، اصلاح و تربیت دیگران و امر به معروف و نهی از منکر است (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۵۵). این در حالی است که به عقیده شهید مطهری مسئولیت خود و خانواده، یک علاقه طبیعی در انسان است و به صورت طبیعی انسان‌ها لاقلاً نسبت به تربیت خانواده خود احساس مسئولیت می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۸۵). اما تلقی اشتباه از دین و تربیت، و نگاه فردی و درونی به آن، موجب فرورفتن در خود و غفلت از دیگران می‌شود.

شهید مطهری احساس مسئولیت اجتماعی را از انسانی‌ترین مسئولیت‌ها دانسته (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۷۳) و افرادی را تربیت یافته می‌داند که دارای چنین احساس و انگیزه‌ای هستند. ایشان همچنین با توجه به کاهش احساس دردمندی و دلسوزی در فعالیت‌های تربیتی، معتقد است، اگر مردم زمان خود را جنساً از پیشینیان بدتر بدانیم، مأیوس می‌شود و کار را رها می‌کنیم، هرچند مردم با توجه رها شدن توسط مربیان به این شرایط دچار می‌شوند؛ لذا نباید از مردم به این سرعت اظهار یأس و ناامیدی کرد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۷: ۷۶۰).

۲، ۱، ۳. شناخت نظام تربیتی

در اندیشه شهید مطهری یک انسان تربیت یافته دغدغه‌مند باید شناخت کافی نسبت به مسیر تربیت داشته باشد و برای اصلاح و تربیت برنامه داشته باشد (مطهری،

۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۴۷). کسی که چنین شناختی از انسان و مسیر هدایت او نداشته باشد نمی‌تواند وظیفه تربیتی خود را به‌خوبی انجام دهد. شهید مطهری همچنین اطلاع کافی اطلاع کافی و صحیح از امور دینی، اطلاع از حلال و حرام، واجب و غیر واجب و... را نیز از جمله اطلاعاتی می‌داند که فرد مربی برای انجام صحیح وظایف خود می‌بایست واجد آن باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۸۲۲).

۲، ۱، ۴. بصیرت و انتخاب

یک مربی علاوه بر بصیرت در دین و شناخت مسیر تربیت، نیازمند بصیرت در عمل و شناخت اولویت‌های تربیتی است. مربیان باید علاوه بر فهم خیر و شر (ابن ابی‌الحدید، ۶۴۹ق، ج ۶: ۳۲۲)، توان اثرسنجی عملی کارهای خوب یا بد و قوه تشخیص اهم و مهم میان خیرات و میان شرور را داشته باشند. به باور شهید مطهری کار تربیتی توسط مربیان زمانی صورت می‌پذیرد که احتمال اثری در آن می‌بینند و اگر چنین نباشد از انجام آن کار منصرف می‌شوند. ایشان همچنین اضافه می‌کند: «این عمل برای این است که یک مصلحتی انجام شود، پس در جایی باید صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود. لازمه این دو شرط بصیرت در عمل است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۸۲۲)». ایشان همچنین اضافه می‌دارد که «آدمی که بصیرت در عمل را فاقد است نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب هست یا نیست و آیا مفسده بالاتری را در بر دارد یا ندارد؟ (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۲۹۹)» شهید مطهری با توجه به اهمیت موضوع‌شناسی و تشخیص مشکلات تربیتی، شناخت دقیق مشکلات اجتماع و تربی، و عوامل فساد را برای آگاهی مربی برای برنامه‌ریزی جهت اصلاح پیشنهاد می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۲۶۹).

۲، ۱، ۵. مهارت و توان

یک مربی علاوه بر دغدغه، دانش و بصیرت تربیتی، باید بتواند آنچه می‌داند و می‌خواهد را اجرا کند. به باور شهید مطهری فعالیت تربیتی صلاحیت می‌خواهد «و این صلاحیت دو وظیفه مهم را ایجاب می‌کند: یکی آگاهی و خیرت و بصیرت اجتماعی در کارها که از آن کسان نباشیم که «ما یفسده اکثر ممّا یصلحه»... دیگر تعاون و همکاری و تحصیل قدرت. اولی علم و بینش است و دومی قدرت (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۲۹۹)». برای کسب چنین قدرتی می‌بایست مقدمات محیطی و

توانمندی‌های درونی را فراهم نمود. برای انجام فعالیت تربیتی هم تجمع و تشکل و تهیه وسایل و اسباب و لوازم و نفوذ در سطح عالی اجتماع و... لازم است، و هم کسب مهارت و تجربه و فنون تربیتی و...

۲،۱،۶. در نظر داشتن حالات متربی

اگرچه در رساندن پیام خدا فرقی میان مردم نبوده و یکی «از خصوصیات بسیار بارز سبک تبلیغی پیغمبران مسئله تفاوت نگذاشتن میان مردم در تبلیغ اسلام است» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص: ۳۵۸) اما در عین حال، یک مربی نمی‌تواند در نحوه فعالیت خود، نسبت به تفاوت‌های فردی و محیطی مخاطب بی‌توجه باشد. «در اسلام برای هدایت و رهبری، یک شکل صددرصد معین ترسیم نشده که همه اجزاء و مقدمات و مقارنات و شرایط و موانع در نظر گرفته شده باشد، و [چنین قالب خشک تربیتی] اساساً قابل تعیین و ترسیم و اندازه‌گیری نیست.» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۵۱۶) نظام تربیتی اسلام «برای اوضاع و احوال متغیر، وضع متغیری را پیش‌بینی کرده است» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۹۱)؛ مربی را موظف می‌کند این تغییرات و تفاوت‌ها را همواره در نظر داشته باشد. نمی‌شود مربی چشم خود را بر همه واقعیات موجود ببندد و چیزی را که خود صحیح می‌پندارد بدون در نظر گرفتن شرایط متربی بر او تحمیل نماید.

در حکمت ۹۱ نهج‌البلاغه آمده است: «همین‌طور که تن انسان خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد، دل انسان هم گاهی خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد (مقصود از دل، روح است). در این صورت، دیگر فکرهای سنگین را به او تحمیل نکنید، حکمت‌های طرفه و طریف (یعنی اعجاب‌انگیز و خوشحال‌کننده) از قبیل ذوقیات و ادبیات را به او عرضه بدارید تا سر نشاط و سر حال بیاید (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۷۱۶)». این از آن روست که تحمیل بی‌ملاحظه خوبی‌ها به متربی ناآماده، موجب بریدن و پس‌زدن او خواهد شد و به جای حرکت دادن او در مسیر تربیت، حس انزجار و تنفر ایجاد خواهد کرد. برای نمونه اسلام می‌گوید «هنگام نماز با این مردم تازه‌مسلمان که هنوز ذائقه‌شان لذت عبادت را نچشیده است و به علاوه همه نوع افراد در میان مأمومین هست، بعضی پیرند، علیل‌اند، ناتوان‌اند و...، تو رعایت حال اضعف را معمول بدار، یعنی حساب کن در میان آن‌ها از همه ناتوان‌تر کیست، وقتی که

رکوع می‌کنی چهل تا «سبحان ربّی العظیم و بحمده» نگو، تو نماز خود را با او تطبیق ده، کسی را در نماز خواندن ناراحت نکن.» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۲۴)

۲، ۱، ۷. توجه به شرایط و موانع

هر عملی که مربی انجام می‌دهد باید بر اساس شناخت صحیح و دقیق از مرتبی و شرایط او باشد. این‌که او در چه سنی است و چه روحیاتی دارد؛ این‌که دختر است یا پسر؛ این‌که محیط خانوادگی و اجتماعی او چگونه است؛ این‌که به چه می‌اندیشد و چه چیز را دوست دارد و... مواردی است که در کار تربیتی باید لحاظ شود. برای این کار آشنایی با انواع الگوهای شخصیتی و شناخت واقعی ویژگی‌های مرتبی و محیط او الزامی است. همچنین مربی باید بداند کدام روش تربیتی در کدام شرایط بر کدام مرتبی مؤثر خواهد بود و چه موانعی ممکن است در این مسیر وجود داشته باشد. در این زمینه نیز باید بر اساس منابع اصیل تربیتی، معرفت‌ها و مهارت‌های لازم را کسب کرد. «در اسلام شرایط و موانع غالباً و یا همیشه در حول فطرت دور می‌زند. قرآن گاهی بقا بر پاکی اولی و اصلی را به‌عنوان شرط ذکر می‌کند و گاهی نگرانی و دغدغه ناشی از تصور مسئولیت و تکلیف در برابر نظام هستی را به‌عنوان شرط ذکر می‌کند و گاهی زنده‌بودن و زنده‌ماندن فطرت را به‌عنوان شرط ذکر می‌کند. اسلام شرط پذیرش دعوت خود را پاک بودن، دغدغه و نگرانی و احساس مسئولیت در برابر آفرینش داشتن و زنده به حیات فطری بودن می‌داند. متقابلاً در موانع، از فساد روحی و اخلاقی، اثم قلب، رین (زنگار) قلب، مختوم شدن دل‌ها، ناپینا شدن چشم بصیرت، ناشنوا شدن گوش دل، تحریف شدن کتاب نفس، پیروی از عادات پدران، پیروی از کُبرا و شخصیت‌ها، پیروی از ظنّ و گمان و امثال این امور یاد می‌کند. اسراف و ترف و تنعم‌زدگی را نیز از آن جهت مانع تلقی می‌کند که خوی‌های حیوانی را تقویت و آدمی را تبدیل به یک بهیمه و یا یک درنده می‌نماید. این امور از نظر قرآن مانع حرکت و جنبش در جهت خیر و صلاح و تکامل جامعه است. از نظر تعلیمات اسلامی، جوانان از کهن سالان و درویشان از ثروتمندان آمادگی بیشتری برای پذیرش دارند، زیرا گروه اول به علت کمی سن و سال هنوز بر فطرت از آلودگی‌های روانی دور مانده‌اند و گروه دوم به علت دور بودن از ثروت و رفاه. ارائه شرایط و موانع به این گونه و به این شکل، مؤید آن است که قرآن مکانیسم تحولات اجتماعی و تاریخی را بیشتر روحی می‌داند تا اقتصادی و مادی.» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۸۴)

۲,۱,۸. جذابیت و سخنوری

تربیت متریان توسط مریان منوط به ابلاغ پیام است. شهید مطهری در مورد ابلاغ پیام اشاره دارند که: «[مربی] ابلاغش باید ابلاغ مبین و پیام رساندنش باید روشن و آشکار و آشکارکننده و راهنمایانه باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۳۶)». معنای این سخن «مطلوب بودن، سادگی و بی‌پیرایگی پیام است به طوری که طرف در کمال سهولت و سادگی آن را فهم و درک نماید. مغلق و معقد و پیچیده و در لفافه سخن گفتن و اصطلاحات زیاد به کار بردن و جملاتی از این قبیل که «تو باید سال‌های زیاد درس بخوانی تا این حرف را بفهمی» در تبلیغ پیامبران نبود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۵۰)». حضرت موسی نیز وقتی در جایگاه تبلیغ دین قرار می‌گیرد از خدا می‌خواهد «به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقتی را که به من وحی می‌کنی به مردم القا کنم و مردم بفهمند، درک کنند، رابطه‌ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عیناً آن طوری که تو می‌خواهی از من بگیرند نه اینکه من چیزی بگویم و آن‌ها پیش خود چیز دیگری خیال کنند و من نتوانم آنچه را که دارم بیان کنم. [اگرچه داشتن] قدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقداری از آن اکتسابی است)، ولی امور طبیعی باید با تمرین و اکتساب تقویت بشوند، مثل کارهای ورزشی که شخص باید یک استعدادی داشته باشد و این استعداد در اثر تمرین‌های ورزشی تکمیل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۴۱۷)». از جهت جسمی نیز شهید مطهری معتقد است یکی از شرایط مربی آن است که در او «صفتی که موجب تنفر مردم باشد وجود نداشته باشد و لو نقص جسمی. می‌دانیم که نقص جسمی به کمال روحی انسان صدمه نمی‌زند [اما] قیافه یک نفر مبلغ و دعوت‌کننده به خدا نباید متنفر باشد، [همچنین] سایر خصوصیات او از جمله رفتار و کردارش و سخنانی که می‌گوید نباید طوری باشد که در مردم نفرت و تنفر و فرار ایجاد کند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۵۹)».

۲,۲. ویژگی‌های شخصیتی

۲,۲,۱. بندگی و عبودیت

در اندیشه شهید مطهری، کسی که اقدام به فعالیت تربیتی می‌کند در درجه اول خودش از خدا می‌ترسد و یک آدم خداترس است و خوف خدا و خشیت الهی در قلبش جاگرفته است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۶۲). چنین شخصی جایگاهی برای خود

غیر از امتداد رسالت انبیا قائل نیست و معتقد است نقشی جز رسالت ندارد، و خود را خلق خدا و رسول و پیام‌آور او می‌داند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۵۷).

۲,۲,۲. خلوص و خیرخواهی

شهید مطهری در مورد مربیان الهی که در امتداد مسیر پیامبران هستند، بیان می‌دارد که: «[ایشان] به حکم اینکه تکیه‌گاه خدایی دارند و هرگز از یاد نمی‌برند که «رسالتی» از طرف خداوند بر عهده آن‌ها گذاشته شده است و کار «او» را انجام می‌دهند، در کار خود نهایت «خلوص» را دارند، یعنی هیچ منظوری و هیچ هدفی جز هدایت بشر که خواسته خداوند است ندارند و از مردم «اجر» برای انجام رسالت خود نمی‌خواهند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۴).» ایشان همچنین باتوجه به قرآن کریم، به نصح اشاره می‌کنند و تصریح دارند که ناصح و خیرخواه در عمل خودش باید نهایت اخلاص را داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۵۲-۳۵۱).

۲,۲,۳. صداقت و تقوا

مربیان و پیامبران مانند دیگران مکلف و موظفند و تکالیفی که به وسیله آن‌ها به مردم دیگر ابلاغ می‌شود، شامل خود آن‌ها نیز می‌شود، در نتیجه آن‌ها نیز باید صادقانه به آنچه دیگران را به آن فرامی‌خوانند عمل کنند و حرام و حلال‌ها درباره آن‌ها هم هست و احیاناً برخی تکالیف شدیدتر متوجه آن‌ها می‌شود، آن‌چنان‌که بر رسول اکرم تهجد و بیداری آخر شب و نافله شب واجب بود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۷). در اندیشه شهید مطهری تلاش تربیتی این افراد که با چنین ذخیره معنوی اقدام به امر تربیت می‌کنند، در جهت سعادت بشری است و محال و ممتنع است که در جهت فاسد کردن فرد و یا تباهی جامعه انسانی صورت بپذیرد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۶).

۲,۲,۴. تواضع و خشوع

شهید مطهری باتوجه به اینکه تربیت متربی توسط مربی در بستر انتقال پیام انجام می‌شود، معتقد است: «کسی که می‌خواهد پیامی را، آن هم پیام خدا را به مردم برساند، باید در مقابل مردم در نهایت درجه فروتن باشد، یعنی پرمدعایی نکند، اظهار انانیت و منیت نکند، مردم را تحقیر نکند، باید در نهایت خضوع و فروتنی باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۵۴).» در غیر این صورت سخنان او شنیده و پذیرفته نشده و مردم از او روی‌گردان خواهند شد.

۲,۲,۵. شجاعت و قاطعیت

مربیان الهی تنها از خدا می‌ترسند و هیچ ترسی از غیر خدا ندارند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۶۲). شهید مطهری درباره این دسته از مربیان می‌گوید: «[ایشان] به حکم اینکه خود را «مبعوث» احساس می‌کنند و در رسالت خویش و ضرورت آن و ثمربخشی آن کوچک‌ترین تردیدی ندارند، با چنان «قاطعیتی» پیام خویش را تبلیغ می‌کنند و از آن دفاع می‌کنند که مانندی برای آن نتوان یافت (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۴)». در نتیجه این مربی اهل سازش‌کاری، ملاحظه و رودربایستی و رشوه، چه مالی و چه عنوانی و احترامی، قبول کردن نبوده و تنها معیار او برای فعالیت تربیتی دستیابی به حقیقت و مصلحت بشر است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۲۶۶). این نکته از آن جهت مهم است که گاهی مربیان دوست دارند که مربی مداهنه و مصانعه^۱ و سازش‌کاری کند و حرف‌ها را سَمبل کند تا آن‌ها نیز بتوانند با مسامحه عبور کنند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۲۶۶).

۲,۲,۶. استقلال و بی‌طرفی

شهید مطهری معتقد است کسی که می‌خواهد دیگران را اصلاح کند و تغییر دهد، خودش نباید هم‌رنگ همان مردم باشد و همان نقاط ضعف که در مردم هست در خودش وجود داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۹۷). اگر مربی متعلق به یکی از جریان‌ها و دسته‌های اجتماعی باشد حالت بی‌طرفی خود را از دست داده و اثرگذاری کار تربیتی او دشوار خواهد شد. در نتیجه شرط کار تربیتی این است که مربی تابع هیچ جریان دیگر بوده، بلکه باید منبع جریان‌ها باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۲۵۴). به عبارت دیگر «حریت و آزادی معنوی شرط توفیق مصلح دینی است. همچنان که يك زبون ملاحظه‌کار توفیق اصلاح‌خدایی نمی‌یابد و همچنان که يك گرفتار بیمار موفق به مداوای جامعه خود نمی‌گردد، يك اسیر و بنده مطامع نفسانی نیز موفق نخواهد شد دیگران را از اسارت‌های اجتماعی یا معنوی باز دارد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۹۸)».

۲,۲,۷. شرح صدر و دریادلی

فعالیت تربیتی غالباً از سوی مربی با انحراف‌ها و اعوجاج‌ها و لجاجت‌ها و... همراه است. اگر کسی برای کنار آمدن با اشکالات مربی حلم و سعه‌صدر کافی نداشته باشد یا برای رسیدن به نتیجه مطلوب عجله کند یا اگر موفقیت مورد انتظار خود را به

دست نیاورد ناامید شود یا... مربی کاملی نیست. از این رو شهید مطهری اولین شرط در امر دعوت، پیام‌رسانی و مربیگری را شرح صدر می‌داند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۴۲). قلب مربی باید مانند روح همه ابرار و انسان‌های نیک همچون صحرا گشاده باشد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۸: ۱۹۵) تا بتواند وظایف خویش را انجام دهد. ایشان همچنین به درخواست حضرت موسی از خدا در این باره اشاره می‌کنند: «موسی می‌فهمد که يك مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی‌داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آن‌چنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیایم، دریادل‌م کن که کار تبلیغ دریادلی می‌خواهد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۴۱۶)».

۲،۲،۸. سادگی و بی‌تکلفی

از ویژگی‌های یک مربی خوب بی‌تکلفی است. «تکلف در موارد مختلفی به کار می‌رود و در واقع به معنی به خود بستن است که انسان چیزی را به زور به خود ببندد. در مورد سخن هم به کار می‌رود. به افرادی که در سخن خودشان به جای اینکه فصیح و بلیغ باشند الفاظ قلمبه و سلمبه به کار می‌برند، می‌گویند متکلف (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۳۵۲)». این ویژگی مخصوص سخن‌گفتن نیست، بلکه ممکن است در همه رفتارها و خلقیات مربی و همچنین در سبک زندگی و نحوه بهره‌برداری او از مواهب دنیا ظهور کند. مربی باید بداند که اگر از حیث سطح برخورداری از نعمت‌های زندگی در سطح بالایی قرار داشته باشد، پذیرش سخن او توسط فرودستان دشوار می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۲۶).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

تربیت امر مهم و حیاتی زندگی بشر است که تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی او را در بر می‌گیرد. به همین جهت تمامی مکاتب فکری به آن پرداخته‌اند. بی‌تردید دین مبین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین که داعیه‌دار ارائه برنامه کامل و همه‌جانبه زندگی انسان است، به‌صورت جامع به تمام ابعاد تربیت پرداخته است. این پژوهش با توجه به عوامل مختلف مؤثر در تربیت دینی انسان، ویژگی‌های مربی شایسته را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت برگزیده است و از میان آرا اندیشمندان و

اسلام‌شناسان گوناگون، اندیشه استاد مطهری را بستر بررسی این ویژگی‌ها قرار داده است. زی معلمی ایشان گواهی می‌دهد که وی نه تنها یک اسلام‌شناس آگاه و زمانه‌شناس بلکه معلمی انسان‌ساز و عامل به شئون تربیت اسلامی بوده‌اند. لذا ویژگی‌های یک مربی شایسته را در اندیشه شهید مطهری به‌عنوان یک اندیشمند مسلمان و یک معلم و مربی شایسته، مورد بحث و بررسی قرار داده است.

در این پژوهش، از مجموعه آثار و یادداشت‌های شهید مطهری ۱۶ ویژگی برای مربی شایسته استنباط شده که ذیل دو عنوان ویژگی‌های حرفه‌ای و ویژگی‌های شخصیتی مورد بررسی قرار گرفت. در اندیشه ایشان با توجه به این که تربیت امری دائمی و بدون نقطه پایانی است به این نکته توجه شده است که مربی باید دائماً در حال فراگیری و اکتساب ویژگی‌های حرفه‌ای خود باشد تا در فرایند تربیت، بتواند نقش بی‌بدیل و اثرگذار خود را به‌درستی و به‌طور کامل ایفا کند. ویژگی‌های حرفه‌ای احصا شده در این پژوهش شامل «تربیت‌یافتگی»، «دغدغه و انگیزه»، «شناخت نظام تربیتی»، «بصیرت و انتخاب»، «مهارت و توان»، «در نظر گرفتن حالات متربی»، «توجه به شرایط و موانع» و «جذابیت و سخنوری» است. برخی ویژگی‌های مربی نیز نه تنها در تعامل و در ارتباط با متربی در فرایند تربیت مؤثر است، بلکه فارغ از فرایند تربیت نیز برای شخص مربی، کمال محسوب می‌شود که ذیل عنوان ویژگی‌های شخصیتی به آن‌ها پرداخته شده است. از جمله ویژگی‌های شخصیتی مربی، می‌توان به «بندگی و عبودیت»، «خلوص و خیرخواهی»، «صداقت و تقوا»، «تواضع و خشوع»، «شجاعت و قاطعیت»، «استقلال و بی‌طرفی»، «شرح صدر و دریادلی»، «سادگی و بی‌تکلفی» اشاره کرد. نمایی از ویژگی‌های مربی شایسته در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. ویژگی‌های مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری

در این پژوهش ضمن بررسی آثار استاد مطهری و سایر پژوهش‌های مرتبط که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت، ویژگی‌های مربی به دودسته شخصیتی و حرفه‌ای تقسیم شده است. نتایج این پژوهش، همسو با پژوهش‌های کهوکهر (۱۳۸۴)، وجدانی (۱۳۸۹)، بهروز (۱۳۹۴)، شهریاری (۱۳۸۹) و پهلوان شریف (۱۳۹۵)، ویژگی‌های شخصیتی مربی را شامل شرح صدر، صبر، اخلاص، بندگی، تواضع، خیرخواهی، شجاعت، استقلال و تقوا دانسته و علاوه بر آن، استقلال و بی‌طرفی، و سادگی و بی‌تکلفی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در ویژگی‌های حرفه‌ای به‌جز اشتراک در سه ویژگی بصیرت، دانایی و تربیت‌یافتگی با پژوهش‌های وجدانی (۱۳۸۹) و بنی‌طرفی (۱۴۰۱)، افتراق بسیاری میان پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌ها مشاهده می‌شود. توجه به ویژگی‌های علمی و توانمندی‌های پژوهشی و آموزشی مربی از اصلی‌ترین رئوس ویژگی‌های حرفه‌ای مربی در سایر پژوهش‌ها است؛ در صورتی که در اندیشه استاد مطهری، برخورداری از علم و تخصص منقطع از تربیت‌یافتگی متخصص،

بصیرت در چگونگی بهره‌مندی از آن، در نظر گرفتن اقتضائات زمان و فرایند تربیت و عدم آگاهی از شرایط و موانع تربیتی، ارزش‌چندانی ندارد. از این‌رو، بهره‌مندی از تخصص حرفه‌ای زمانی در عمل برای مربی سودمند خواهد بود و او را در راستای تحقق اهداف تربیت یاری خواهد کرد که با ویژگی‌های حرفه‌ای فوق‌الذکر ممزوج شود. بانوجه به اهمیت موضوع ویژگی‌های مربی شایسته، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در راستای چگونگی اتصاف مربیان به هر یک از این ویژگی‌ها انجام شود. همچنین ویژگی‌های یاد شده در این پژوهش می‌توانند به‌عنوان سنجه‌هایی به‌منظور کیفیت‌سنجی و رتبه‌بندی معلمان مورد استفاده قرار گیرند. همچنین تدریس صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مربیان و معلمان از دیدگاه شهید مطهری نیز می‌تواند به‌عنوان بخشی از واحدهای درسی دانشگاه فرهنگیان و دوره‌های ضمن خدمت معلمان، در راستای توانمندسازی هرچه بیش‌تر آنان، سودمند باشد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ابی‌الحدید (۶۴۹ق)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی النجفی.
- ابن منظور (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، تصحیح: امین محمد عبدالوهاب و محمدصادق العبیدی، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بهروز، زهرا (۱۳۹۱)، تقدم ترکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم، قم.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۷)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، چ ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴)، نهج الفصاحه، تهران، سازمان انتشارات جاویدان.
- پهلوان شریف، محمدامین؛ سیدجوادین، سید رضا؛ پور عزت، علی اصغر؛ لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۹۵)، ویژگی‌های مربی صالح در پرورش و مدیریت استعدادها؛ پژوهشی قرآنی، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹ (۷۲)، ۵.

- توسلی، طیبه (۱۳۸۶)، *مفهوم تربیت از دیدگاه شاعران، ادیبان و اندیشمندان زبان فارسی*، تهران: اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳ (۳ و ۴)، ۱۳۷-۱۵۵.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، ج ۱۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه (۱۳۸۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ج ۱، تهران، سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۸)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۴، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارا العلم الدار الشام.
- رامشت، شهرام؛ و صداقت‌زاده، میثم (۱۴۰۱)، *تحلیل شخصیت‌های حاصل از عدم شکل‌گیری صحیح چرخه ظاهر و باطن در تربیت دینی مبتنی بر اندیشه شهید مطهری*، دو فصلنامه علمی نظریه و عمل در تربیت معلمان، سال هشتم، شماره چهاردهم.
- رامشت، شهرام؛ فیاضی، مینا؛ و صداقت‌زاده، میثم (۱۴۰۱)، *غایت‌شناسی تربیت اسلامی و تبیین وسیله تحصیل آن در اندیشه شهید مطهری*، فصلنامه تربیت متعالی، سال دوم، شماره سوم.
- رحمانی گورجی، محمد؛ و شیخ شجاعی، عباس (۱۳۹۸)، *نقش مربی در تربیت بر اساس مبانی ملاصدرا*، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷ (۴۵)، ۵-۲۳.
- رحیمیان، محمدحسن؛ و رهبر، محمدتقی (۱۳۸۰)، *آیین تزکیه*، قم، بوستان کتاب.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۱)، *مربی نمونه*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- شیخ حر عاملی (۱۳۶۷)، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- صداقت‌زاده، میثم؛ و رامشت، شهرام (۱۴۰۱)، *تبیین تأثیر و تأثرات ظاهر و باطن در اندیشه تربیتی شهید مطهری*، فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۸ (۴۴).
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۸)، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۱)، *سیاست مدنیه*، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، نشر فرهنگ.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳ق)، *محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، سید محمدصادق عارف و محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- کلینی (۱۳۹۰)، *اصول کافی*، تهران، دارالثقلین.
- کهوکه‌ر، غلامعلی (۱۳۸۴)، *ویژگی‌های مربی در اسلام*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، مرکز جهانی علوم انسانی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدزاده بنی‌طرفی، مهدی؛ شماخته، میلاد؛ و مهدی، حمیدرضا (۱۴۰۱)، *شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری*، فصلنامه تربیت متعالی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۵-۲۵.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۴، بیروت، دارالعلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- میرهادی، سید مهدی (۱۳۷۲)، *تأملی در تعریف و مفهوم تربیت ۱*، مجله تربیت، سال هشتم، شماره نهم.
- وجدانی، فاطمه (۱۳۸۹)، *ویژگی‌های مربی از منظر روایات*، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۷(۱۷)، ۱۲۳.
- همت بناری، علی (۱۳۸۱)، *نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت*، ماهنامه معرفت، ۱۱(۶)، ۳۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی